



فتنه جدید

یا

جریان مدعی یمانی

فتنه جدید یا جریان مدعی یمانی

- | | |
|--------------------|-----------------|
| عقاید | □ موضوع: |
| جیبی | □ قطع: |
| چاپ اول | □ نوبت: |
| چاپخانه جنوب اهواز | □ چاپ: |
| یک جلد | □ تعداد مجلدات: |
| ۵۶ صفحه | □ تعداد صفحات: |
| بهمن ۱۳۸۹ | □ تاریخ انتشار: |
| ۱۰،۰۰۰ | □ شمارگان: |

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

موضوع	صفحه
مقدمه.....	۷
سیاست استعمار در فرقه سازی.....	۸
استراتژی حمله ایمانی حزب بعث عراق بعد از انتفاضه شعبانیه.....	۱۱
جریان یمانی.....	۱۵
ادعاهای واهی احمد الحسن.....	۱۶
مراحل مختلف بروز جریان یمانی.....	۱۷
اعلان عمومی جریان یمانی پس از سقوط رژیم صدام.....	۱۸
مغالطه در طرح برخی از روایات توسط یمانی.....	۱۹
ارزیابی سند ودلالت احادیث مورد ادعای جریان یمانی.....	۲۳
بررسی کلی همه احادیث مزبور.....	۳۱
ارتباط جریان یمانی با احادیث مزبور.....	۳۵
تشکیلات و عملکرد جریان یمانی.....	۳۶
ستاره داود، آرم جریان یمانی.....	۳۸

۳۹	فعالیت تبلیغی
۴۱	فعالیت نظامی جریان یمانی
۴۵	اشکالات و تناقضات جریان یمانی
۵۳	آخرین سخن

فتنه جدید یا

جریان مدعی یمانی (احمدالحسن) چیست ؟



الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله
الطاهرين لاجيما بقیة الله في الارضين ارواح العالمين
لتراب مقدمه الفداء

مقدمه :

اخيراً اشخاصی به تبلیغ یکی از جریان های مدعی مهدویت به نام احمد الحسن یمانی در برخی مناطق مشغول شده اند . لذا این ستوال ها برای برخی از مؤمنین ایجاد شده که این جریان چیست ؟ احمد الحسن کیست ؟ چه سابقه ای دارد ؟ ادعاهای او چیست ؟ به چه ادله ای برای اثبات مدعی

خود استناد می کند؟ ادله مورد ادعای او به چه میزان اعتبار شرعی دارد؟ این جریان از کجا آب می خورد، و وابسته به چه جایی است؟ چه عملکردی تا به حال داشته است؟ بالاخره تکلیف مؤمنین در برابر این گونه جریان چیست؟

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه - شاخه خوزستان، بنا بر رسالت روشن گری پیرامون این گونه مسائل، این مکتوب را در راستای پاسخ به آن پرسش ها تهیه و در اختیار برادران و خواهران ایمانی می گذارد. امید است این قدم کوچک مقبول درگاه قطب عالم امکان حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم واقع گردد.

قبل از پاسخ دادن به پرسش های مزبور، لازم است به دو نکته اشاره نمود:

نکته اول؛ سیاست استعمار در فرقه سازی:

یکی از شگردهای استعمار غربی برای ایجاد سلطه سیاسی و نظامی بر کشورهای اسلامی در راستای استحاله

فرهنگی و تفرقه دینی، تأسیس فرقه ها و جریانات مذهبی است. تأسیس مذهب قادیانی در پاکستان، و بهائیت در ایران نمونه هایی از آن فرقه ها و جریانات دینی است. همراهی، بلکه سرسپردگی این فرقه ها نسبت به آمریکا، انگلیس و صهیونیست ها در این زمان بر همگان آفتابی شده است. بر این اساس، اخیراً دولت های استعماری که به بهانه مبارزه با تروریسم، کشورهای مسلمان افغانستان و عراق را اشغال نموده اند، پروژه تأسیس آن گونه فرقه ها و پشستیانی از آن ها را به ویژه در عراق و ایران در رأس برنامه های خود قرار داده اند. در این راستا ده ها فرقه به دنبال سقوط صدام در عراق بروز و ظهور نموده است، از قبیل:

۱- جند السماء به رهبری ضیاء عبدالزهراء کاظم الگرعاوی

۲- جریان یمانی

۳- جریان سید محمود حسنی سرخی

۴- فرقه الامام الربانی به رهبری سید فاضل عبدالحسین

الحسینی الهاشمی

۵- فرقه فرقد القزوینی

۶- جریان سلوکی و ...

اغلب جریانات فوق، مدعی مهدویت و یا ارتباط با امام زمان عجل الله فرجه شده اند، با این که ارتباط اکثر آن ها با جریانات بعثی و دستگاه های جاسوسی استعماری کشف و احراز گردیده است. هدف اصلی این فرقه ها مبارزه با حوزه، مرجعیت و روحانیت شیعه قرار گرفته است. زیرا در تاریخ نهضت های اسلامی معاصر ضد استعماری، این واقعیت بارها به اثبات رسیده، که تنها سنگری که در مقابل استعمار ایستاده، و مانع پیروزی آن ها شده است، سنگ روحانیت، مرجعیت و حوزه های شیعه است. جالب این جاست، که فرقه های مذکور فقط بر علیه روحانیت سخن می گویند، و اقدامات عملی انجام می دهند، اما هیچ گونه اقدامی بر علیه اشغالگران انجام نداده اند.

نکته دوم؛ استراتژی حمله ایمانی حزب بعث عراق پس از انتفاضه شعبانیه:

حزب بعث عراق توسط یک مسیحی صهیونیست به نام
میشل عفلق تأسیس شده است. حزب مذکور از یک سو
وابسته به جریان استعماری انگلیسی بود، و از سوی دیگر
دشمنی ذاتی با اسلام و تشیع داشت. شعار معروف آن ها موقع
به دست گرفتن قدرت این بود:

آمنت بالبعث ربّاً لا شریک له وبمیشل نبیّاً ماله ثانی
« به بعث به عنوان پروردگار بی شریک، و به میشل به
عنوان پیامبری که همتا ندارد، ایمان آورده ام! »

کارنامه حزب بعث بویژه در زمان صدام در طول حاکمیت
سی ساله، مملوّ از مبارزه با اسلام، قتل میلیون ها انسان بی
گناه، نابودی اقتصادی عراق و به تعطیل کشیدن شعار مذهب
و به شهادت رساندن صدها مجتهد و فاضل و هزاران طلبه از
حوزه های علمیه و ... بود.

این حزب به تحریک آمریکا، بعد از پایان جنگ تحمیلی با ایران، جهت بستر سازی حضور آمریکا و متحدانش در خلیج فارس، در سال ۱۹۹۰ م - ۱۳۶۹ ش، کویت را اشغال نمود. به دنبال حضور آمریکا و متحدان غربیش به بهانه اخراج صدام از کویت، مردم مسلمان عراق در زمان مرجعیت مرحوم آیت الله خونی بر علیه حزب بعث در انتفاضه معروف به شعبانیه قیام کردند، و در آستانه پیروزی ورهایی عراق از چنگال ظالمان قرار گرفتند، که آمریکا به کمک صدام شتافت و با سرکوب انتفاضه، صدام را بار دیگر بر کرسی قدرت نشاند.

حزب بعث عراق که مشاهده نمود، روح اسلامی در مردم مسلمان عراق نمرده، و هنوز هم می تواند آن ها را بر علیه ظلم به انقلاب و ا دارد، این بار تاکتیک خود را در مبارزه با اسلام عوض کرد. به جای نشان دادن چهره خشن، جنگ نرمی را علیه اسلام و حوزه و مردم مظلوم شیعه عراق تحت عنوان «الحملة الایمانیة» به راه انداخت. در واقع این کار همان استفاده ابرازی از مذهب علیه مذهب بود. صدام علاوه بر تظاهر به

نماز و رفتن به زیارت، در این حمله ایمانی چند کار خبیث و خطرناکی را انجام داد از جمله:

- ۱- نفوذ دادن جوانان مستعد بعثی در حوزه های علمیّه، تا به عنوان طلبه علوم دینی به تحصیل بپردازند، و از آن ها برای مأموریت های ضد دینی استفاده نماید.
 - ۲- دادن آزادی به برخی از علماء برای فعالیت به عنوان مرجعیت، و کوبیدن مراجع تقلید دیگر جهت ایجاد تفرقه میان آنان به بهانه های قومی و صنفی.
 - ۳- اجازه دادن به برخی از روحانیت جهت اقامه نماز جمعه و برگزاری کنترل شده شعائر دینی.
- البته صدّام وقتی از فعالیت آن گونه مرجعیت طرفی نبست، و مشاهده کرد که به دست خود زمینه را برای حضور مردم متدین در صحنه فراهم ساخته است، آن مرجعیت را به شهادت رساند، و عملاً آن برنامه ها به تعطیلی کشیده شد.
- ۴- نفوذ دادن برخی از جوانان بعثی دوره دیده در عملیات سحر و جادو و مرتاضی و متظاهر به چهره دینی و انقلابی به

درون زندان ها جهت فریب زندانیان سیاسی ، مثل ضیاء عبدالزهره الگرعاوی ، که یک افسر بعثی بود . وی دوره آموزش مرتاضی را در هند دیده ، به درون زندان عراق رفت ، وبا گرفتن اخبار سری از وضعیت پرونده های زندانیان سیاسی از مأمورین بعثی زندان ، در مورد آزادی و یا شهادت برخی از زندانیان پیشاپیش خبر می داد . بسیاری از زندانیان هم فریب الگرعاوی را خورده ، او را ولی الله و مرتبط با جهان غیب دانستند . همین شخص پس از آزادی از زندان ، بر اثر سقوط صدام در سال ۱۳۸۲ ش ، گروهی را به نام جند السماء تشکیل داد ، و ادعا کرد که او قائم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است ! ، و مأموریت دارد که روز عاشوراء ۱۲۰۰ نفر از روحانیان نجف را به قتل برساند . اما پلیس عراق در تاسوعای سال ۱۳۸۵ ش ، نیروهای او را در پادگان « الزرگه » در حوالی نجف کشف ، و آن ها را از بین برد . خود ضیاء عبدالزهره به اتفاق صدها نفر از همراهانش ، از جمله ۲۰۰ نفر از نیروهای به اصطلاح یمانی به هلاکت رسیدند .

جریان یمانی

پس از دقت در دو نکته مذکور، اینک به شناساندن ماهیت جریان یمانی می پردازیم .

این جریان تحت عنوان احمد الحسن الیمانی ، وصی ، فرزند و فرستاده امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه در اواخر سال های حاکمیت صدام بروز کرد . پس از سقوط او ، با کمک برخی از باقیمانده های رژیم بعث ، تشکیلات وسیعی را در مناطقی همچون نجف ، کربلاء ، ناصریّه و بصره به راه انداخت . مؤسس جریان ، شخصی به نام احمد اسماعیل گاطع از قبیله صیامر در حدود سال ۱۹۷۳ میلادی ، در منطقه ای به نام « هویر » از توابع شهرستان « زبیر » از استان بصره متولد شد . وی در سال ۱۹۹۹ میلادی ، از دانشکده مهندسی بصره فارغ التحصیل شد . مدتی در حوزه شهید سید محمد صدر در نجف تلمذ نمود . ضمناً بنا بر نقل مؤثق برادر وی از نیروهای بعثی بود .

ادّعاهای واهی احمد الحسن یمانی

ایشان با این که سید نیست، و اصل و نسب او از طایفه « صیامر » معلوم و معروف است، عمامه سیاه پوشید، و در مجامع عمومی ظاهر شد. از جمله، با توجه به فیلمی که از او گرفته شده است، بر بالای منبر در یک مسجدی، با لباس روحانی و عمامه سیاه سخنرانی، و ادّعاهای ضد و نقیض خودش را مطرح کرده است. از لحن کلام او پیداست که سواد پایینی دارد، و سخن گفتن به عربی فصیح برای او مشکل است. در آن سخنرانی در عین این که تصریح می کند که هیچ ادّعایی ندارد، و او یک مرد ساده از یک روستای ساده ای است، در همان زمان ادّعا می کند که، « من مایه رحمتم برای اسلام، بلکه برای اهل زمینم، ائمه علیهم السلام هر کجا بروم، همواره با من هستند. و صریحاً می گویم که خداوند مرا برگزیده است. صاحب نفس مطمئنه به من متصل شده، و خود صاحب نفس مطمئنه شده ام. من می خواهم شیعیان را متحد کنم از عالم و عامی. من آمادگی دارم حقایق را برای همه روشن کنم، و به

صورت سیاه و سفید نشان دهم . خدا نور است و کلام او نور است . در عین حال هیچ ادعایی هم ندارم ! »

مراحل مختلف بروز جریان یمانی

ادّعاهای واهی او در طی پیامی که از طریق سایت اینترنتی خود ، با خطاب به علماء حوزه های دینی در مورخه ۲۷ شوال ۱۴۲۴ هجری قمری فرستاده بود ، از این قرار است :

در مرحله اول: ادّعا می کند که ، امام زمان عجل الله تعالی فرجه له را در عالم خواب به صورت مکرّر در حرم سید محمد فرزند امام هادی علیه السلام دیده ، او را امر به زیارت عسکرین می کند . پس از آن موفق به دیدار آن حضرت در بیداری شده ، حضرت او را نسبت به انحرافات عملی و مالی حوزه ها به خصوص حوزه نجف آگاه می کند، و تحت تربیت ویژه قرار می دهد !

در مرحله دوم: مدّعی است که ، او را امر به ورود به حوزه علمیه می کند ، و در آن جا مأموریت به او داده که انحرافات حوزه را مطرح نماید !

در مرحله سوم : ادّعا می نماید که ، در ماه شعبان سال ۱۴۲۰ هـ . ق (مصادف با ۱۳۷۸ ش) ، امام زمان را برای دومین بار در حالت بیداری در کنار حرم امام حسین (علیه السلام) ملاقات کرده ، و به دستور امام به نجف می رود ، و دعوت خود را علنی می سازد ، در این مرحله جمعی او را تکذیب می کنند . او را به سحر و جنون و تسخیر اجنه متهم می نمایند در پی آن به شهر خود باز می گردد .

اعلان عمومی جریان یمانی پس از سقوط رژیم صدام

بعد از سقوط صدام در ماه جمادی الثانی ۱۴۲۴ قمری ،
احمد اسماعیل گاطع دعوت خود را علناً تکرار کرده ، و
تعدادی فریب حرف های او را می خورند . در ماه مبارک
رمضان آن سال ادّعا می کند ، که از سوی امام زمان (علیه السلام)
مأموریت یافته تا همه مردم زمین را مورد خطاب قرار دهد ، و
آن ها را به قیام در راه حق بر علیه ظالمان دعوت کند !

وی در آن پیام تصریح می کند، که من انتظار یاری علمای دین را ندارم. زیرا بسیاری از آنان با امام زمان عجل الله فرجه بالسان و سنان جنگ خواهند کرد، چون با ظهور امام زمان عجل الله فرجه بساط مرجعیت آنان درهم پیچیده می شود. و مقصود از اوئان واصنام (بت ها) همان علما هستند.

مغالطه عجیب در طرح برخی از روایات توسط یمانی

وی برای اثبات مدّعی خود به چند دلیل استناد می کند:

دلیل اول: خواب هایی که اشخاصی درباره او دیده اند! و این علاوه بر خواب هایی که خود دیده بود!

دلیل دوم: اخبار از حوادث آینده مثل سقوط صدام!

دلیل سوم: آمادگی برای مناظره با علمای اسلام، یهود و مسیحت!

دلیل چهارم: آمادگی برای مباحثه با علمای شیعه و سنی و یهودی و نصرانی!

بدیهی است که به اصطلاح ادله فوق صرف ادعا است .

خواب هم بر فرض صحّت حجّت شرعی نیست .

وی در پایان پیام خطاب به مردم عراق ، این چنین می گوید :

پدرم امام زمان عجل الله فرجه مرا برای اهل زمین فرستاد و من دعوتم را در بین شما آغاز نمودم ، در حالی که جبرئیل و میکائیل مرا تأیید و نصرت می دهند ، من از شما طلب نصرت می کنم . اگر نصرتم دادید فبها ، و الا سابقه پدران شما روشن است . اگر مرا خذلان کنید ، صبر خواهم کرد همان گونه که مسلم بن عقیل صبر نمود . من بزودی از میان شما خواهم رفت ، ای باقیمانده های قاتلان حسین ! اگر می خواستم ، شمر و شبت این زمان را معرفی می کردم . من اخبار شما را به پدرم محمد بن الحسن خواهم رساند . در آینده به همراه او ، که جز شمشیر ، چیزی را به شما ارائه نخواهد داد ، باز خواهم گشت . وی در سایت انصار المهدی به آدرس : (www.almahdyoon.org) با امضای سید احمد حسن وصی و رسول امام مهدی عجل الله فرجه ، در مورخه ۲۱ / ربیع الثانی ۱۴۲۶ هجری قمری مصادف با ۹ / ۳ / ۱۳۸۴

شمسی به صورت سنوال و جواب پیامی را منتشر می کند . در آن پیام با این که مدعی فرزندی امام زمان عجله تعالی فرجه الیه و هاشمی بودن شده است ، یمانی بودن خود را این گونه توجیه می کند که :
مکه از تهامه است و تهامه از یمن ، پس محمد وآل محمد صلی الله علیه و آله و سلم همگی یمانی هستند !

از این رهگذر احادیثی را که درباره مدح یمانی ، و این که پرچم او پرچم هدایت است ، وارد شده ، بر خود تطبیق می کند . در آن مصاحبه ادعای عصمت هم می نماید .

مدعی جریان یمانی به احادیثی که علامه مجلسی در باب « خلفاء المهدی صلوات الله علیه و اولاده وما یکون بعده » در ج ۵۳ بحار الانوار آورده است ، تمسک می کند . طبق یکی از آن احادیث ، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دوازده امام معصوم شیعه وصیت می کند ، و بعد از ذکر امام زمان عجله تعالی فرجه الیه می فرماید : « ثم یکون من

بعده اثنا عشر مهدیاً فاذا حضرته الوفاة فليسلمها الى ابنه اول
المهديين ...» (۱).

مدعی ادعا می کند که او مصداق همان اول المهدیین و
فرزند امام زمان عجل الله فرجه است! در حالی که امام هنوز نیامده
وفوت نشده، وصی او ظهور کرده است!

در پیام دیگری که طرفداران وی با امضای انصار المهدی،
در مورخه ۱۱ ماه رمضان ۱۴۲۷ ق، از نجف خطاب به مقام
معظم رهبری فرستاده اند، چنین آمده است: «الى السيد علي
الخامنه اي! السلام عليكم ورحمة الله وبركاته ...» در آن پیام از
مقام معظم رهبری تقاضای قرائت این پیام و دادن جواب به آن را
کرده. وادله حجیت ادعایی احمد بن الحسن را مطرح می سازند. از
جمله همان حدیث وصیت و خواب ها و مناظره ها و مباحله را
مطرح می نمایند.

۱- بحار الانوار ج ۵۳ / ۱۴۸. یعنی: بعد از او (امام زمان عجل الله فرجه) دوازده نفر مهدی
(هدایت یافته) خواهند آمد، پس وقتی وفات او (امام زمان عجل الله فرجه) فرا می رسد،
باید آن را به فرزندش که اولین نفر از مهدیین است، تحویل دهد»

ارزیابی سند ودلالت احادیث مورد ادّعی جریان یمانی

اینک ، لازم است تک تک احادیث مذکور را از نظر سند و دلالت بررسی نموده ، و در نهایت ارتباط مدّعی جریان یمانی را با آن احادیث کشف کنیم .

۱- حدیث اول : شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمة می نویسد :

« حدّثنا علیّ بن أحمد بن محمد بن عمران الدقاق قال :

حدّثنا محمد بن أبی عبدالله الکوفیّ قال : حدّثنا موسی بن عمران النّخعی ، عن عمّه الحسین بن یزید النوفلیّ ، عن علیّ بن أبی حمزة ، عن أبی بصیر قال :

قلت للصادق جعفر بن محمد یا ابن رسول الله انّی سمعت

من ابیک علیه السلام انه قال : یكون بعد القانم اثنا عشر مهدياً فقال :

انّما قال : اثنا عشر مهدياً ولم يقل : اثنا عشر اماماً ، ولكنهم قوم من شيعتنا يدعون الناس الى موالاتنا ومعرفة حقنا .» (۲)

حدیث فوق از نظر سند ضعیف است . زیرا در طریق آن

اولاً : علی بن احمد بن محمد بن عمران الدقاق است ، که از

نظر علمای رجال مجهول می باشد . **وثانیاً** علی ابن ابی حمزه است ، که به عنوان کذاب (دروغگو) و متهم توصیف شده ، و

کسی بود که مذهب انحرافی و اقلیتی را تأسیس نمود . طریق

شیخ طوسی و شیخ صدوق به او هم ضعیف است .

از نظر دلالت ، خلاصه حدیث مزبور این است ، که بعد از

شهادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک دوازده نفر از شیعیان که به خاطر

۲- کمال الدین و تمام النعمة ، شیخ صدوق ج ۲ ص ۳۳۵ باب ما اخبر به الصادق عليه السلام

من وقوع الغيبة ، حدیث ۵۶ .

ترجمه : « ابی بصیر می گوید : به امام صادق جعفر بن محمد صلى الله عليه وآله عرض کردم :

ای پسر رسول خدا ! من از پدرت شنیده ام که فرمود بعد از قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الیک

دوازده نفر مهدی خواهند آمد . امام صادق عليه السلام فرمود : بله اما پدرم فرمود : دوازده

نفر مهدی ، و نفرمود : دوازده امام ! بلی ، آنان قومی از شیعیان ما هستند که مردم را

به ولایت ما و معرفت حقّ ما دعوت خواهند کرد .»

هدايتى كه دارند مهدى ناميده مى شوند ، و نه از اتمه هستند ،
 و نه از اولاد اتمه ، مردم را به سوى ولايت و معرفت حقّ اهل
 بيت دعوت مى كنند. و اين چه ارتباطى با امروز دارد كه هنوز
 امام زمان عليه السلام ظهور نكرده است ؟!

٢- شيخ طوسى در كتاب ا لغيبة مى نويسد : « أخبرنا
 جماعة ، عن أبى عبد الله الحسين بن على بن سفيان البزوفرى ،
 عن على بن سنان الموصلى العدل ، عن على بن الحسين ، عن
 أحمد بن محمد بن خليل ، عن جعفر بن أحمد المصرى ، عن
 عمّه الحسن بن على ، عن أبيه ، عن أبى عبد الله جعفر بن
 محمد ، عن أبيه الحسين الزكى الشهيد ، عن أبيه امير المؤمنين
عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فى الليلة التى كانت فيها وفاته -
 لعلى عليه السلام يا أبا الحسن احضر صحيفةً ودواة ، فأملا رسول
 الله صلى الله عليه وآله وسلم وصيته حتى انتهى إلى هذا الموضع فقال : يا على
 سيكون بعدى اثنا عشر اماماً ومن بعدهم اثنا عشر مهدياً ،
 فأنت يا على أوّل الاثنى عشر الإمام . سَمَاكَ اللهُ تعالى فى
 سمائه عليّاً المرتضى وامير المؤمنين والصديق الاكبر والفاروق

الاعظم والمأمون والمهءى ، فلا تصح هءه الأسماء لأءء غيرك ،
يا على أنت وصيى على اهل بيىى حيهم وميىهم ، وعلى نسانى
فمن ئبىها لقيىنى غءاً ، ومن طلقىها فأنا برىى منها ، لم ترى ولم
أرها فى عرصة القيامة ، وأنت خلىفى على أمىى من بعءى ،
فاذا حضرىك الوفاة فلىسلىمها الى ابنى الحسن البر الوصول ، فاذا
حضرىه الوفاة فلىسلىمها الى ابنى الحسين الشهيء الركى المقتول ،
فاذا حضرىه الوفاة فلىسلىمها الى ابنه سيء العابدين ذى الثفنات
على ، فاذا حضرىه الوفاة فلىسلىمها الى ابنه محمد الباقر ، فاذا
حضرىه الوفاة فلىسلىمها الى ابنه جعفر الصاءق فاذا حضرىه
الوفاة فلىسلىمها الى ابنه موسى الكاظم ، فاذا حضرىه الوفاة
فلىسلىمها الى ابنه على الرضا ، فاذا حضرىه الوفاة فلىسلىمها الى
ابنه محمد الىقة النقى ، فاذا حضرىه الوفاة فلىسلىمها الى ابنه
على الناصح ، فاذا حضرىه الوفاة فلىسلىمها الى ابنه الحسن
الفاضل ، فاذا حضرىه الوفاة فلىسلىمها الى ابنه محمد المسىحفظ
من آل محمد ، فذلك اىنا عشر اماماً ، ثم يكون من بعءه اىنا
عشر مهءياً ، فاذا حضرىه الوفاة فلىسلىمها الى ابنه اول المقربىن .

له ثلاثة اسامی اسم کاسمی واسم ابي وهو عبدالله وأحمد و الأسم الثالث المهديّ هو اول المؤمنين» .^(۳)

این حدیث نیز از نظر سند ضعیف^(۴) است. زیرا علی بن سنان الموصلی العدل^(۵) در طریق حدیث است، که او مجهول می باشد. درباره برخی از راویان دیگر این حدیث هم جای اشکال است. از نظر دلالت آشکارا دلالت می کند که بعد از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دوازده امام معصوم می آیند. اولین آن ها امیرالمؤمنین (عليه السلام) و آخرین آن ها امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. بعد از وفات امام زمان عجل الله تعالی فرجه دوازده نفر آدم هدایت یافته (مهدی)

۲- کتاب الغیبه، الشیخ محمد بن الحسن الطوسی باب ما یدلّ علی صاحب الزمان ص ۱۰۷، چاپ دارالکتب الاسلامیة - طهران - ۱۴۲۳ ق .

۴- البته ضعف حدیث مذکور ضرری به محتوی صدر آن یعنی تعیین دوازده امام معصوم از سوی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نمی زند. زیرا این مضمون از ادله دیگر به صورت متواتر و قطعی ثابت شده است. اما ذیل حدیث، یعنی تعیین دوازده نفر بعد از امام زمان که در این حدیث ضعیف آمده است، ثابت نمی گردد.

۵- العدل وصف شخص به عدالت نیست، بلکه لقب اوست با این که عدالت او ثابت نیست. مخصوصاً که نامبرده عامی (سنّی) است.

می آیند که اولین آن ها ، بنا بر تعبیر روایت (اوّل مقربین) ،
 فرزند امام زمان خواهد بود . وی دارای سه نام خواهد بود .
 یکی احمد (هم نام پیامبر ﷺ) ، دیگری عبدالله (نام پدر
 پیامبر ﷺ) و سومی مهدی است .

این حدیث با حدیث قبلی از نظر انتساب مهدیین تعارض
 دارد . زیرا حدیث شیخ صدوق بر این مسأله تأکید دارد که آن ها
 از شیعیان اند ، که ظاهر آن این است که از خود اهل بیت و اولاد
 آن ها نیستند . در حالی که حدیث کتاب الغیبة بر این معنی
 صراحت دارد که اولین آن ها فرزند امام زمان است ، ولی در هر
 حال ، دو حدیث بر این معنی دلالت می کنند ، که این دوازده
 نفر بعد از شهادت امام زمان خواهند آمد نه قبل از او ! پس
 هیچ ارتباطی با مدّعیان زمان ما ندارند .

۳- شیخ طوسی در جای دیگر کتاب الغیبة آورده است :

« محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری عن ابیه ، عن

محمد بن عبدالحمید و محمد بن عیسی ، عن محمد بن

الفضیل ، عن ابي حمزة ، عن ابي عبدالله (علیه السلام) فی حدیث طویل

- « أنه قال : يا أبا حمزة إنَّ منَّا بعد القائم أحد عشر مهدياً من ولد الحسين » .^(۱)

حدیث فوق هم نیز از نظر سند ضعیف است . زیرا برخی از راویان آن از نظر علمای رجال از این قرار است : محمد بن عبدالحمید مجهول است . محمد بن عیسیٰ مشترک بین ثقه و مجهول و تشخیص آن دو مشکل است . محمد بن فضیل هم مجهول است .

ابن حمزه مشترک بین ابی حمزه ثمالی که ثقه ، و ابی حمزه بطنانی که ضعیف و کذاب و فتنه گرمی باشد .

از نظر دلالت هم بر این معنی دلالت می کند ، که بعد از امام زمان علیه السلام یازده انسان هدایت یافته (مهدی) که همگی از فرزندان امام حسین علیه السلام می باشند ، می آیند . این حدیث با دو حدیث قبلی از نظر تعداد آن ها تعارض دارد . زیرا آن دو بر دوازده نفر ، اما این یکی بر یازده نفر تأکید دارد . و به هر

۶- کتاب الغیبة ، شیخ طوسی ص ۳۰۶ باب صفاته و منازل و سیرته » . یک حدیث قبل از آخرین حدیث کتاب .

صورت ارتباط با زمان کنونی ندارد زیرا به دوران پس از ظهور امام ووفات او ناظر است .

۴- شیخ حسن بن سلیمان (متوفای ۸۰۲) در کتاب مختصر بصائر الدرجات (سعد بن عبدالله اشعری) آورده است :

« مِمَّا رَوَاهُ السَّيِّدُ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ مَنَّا بَعْدَ الْقَاتِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ » . (۷)

سند این حدیث معلوم نیست . زیرا مؤلف مختصر البصائر آن را از سید علی بن عبدالحمید متوفای ۷۶۰ هـ به اسنادی که آن سید نقل کرده ، روایت نموده است . اسناد مذکور که در دسترس ما نیست ، تا بدانیم همه آن ها ثقة هستند یا غیر ثقة . بنابراین سخن قطعی درباره سند حدیث ممکن نیست . از نظر دلالت همانند حدیث قبلی است ، الا این که این حدیث بر دوازده مهدی تأکید می کند در حالی که قبلی بر یازده مهدی ! و در هر صورت سخن از دوران پس از ظهور امام زمان ووفات آن

۷- بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۴۸ باب خلفاء المهدی واولاده حدیث ۷ .

حضرت به میان آورده و هیچ ربطی به امروز که هنوز امام زمان ظهور نفرموده است، ندارد.

بررسی کلی همه احادیث مزبور

احادیث مزبور، صرف نظر از وضعیت سندی آن ها که نوعاً ضعیف و غیر معتبر است، از جهت دلالت به عنوان احادیثی شاذ و غیر قابل قبول تلقی می شود. زیرا بنا بر احادیث مشهور، بعد از شهادت امام زمان عجله تعالی فرجه الیه زمانی برای حکومت معمولی و متعارف صالحان نمی ماند. طبق احادیث مسلم شیعہ، بعد از شهادت امام زمان عجله تعالی فرجه الیه دوره رجعت است. پس از آن قیامت کبری اتفاق می افتد. لذا برخی از علمای شیعه احادیث مزبور را بر فرض صحّت بر دوران رجعت حمل نموده اند. پس مقصود از دوازده یا یازده مهدی همان انمه هدی عجله تعالی فرجه الیه می باشد، که بعد از ظهور امام زمان و شهادت آن حضرت، جهت انتقام گرفتن از قاتلان نشان، آن هم به مدت کوتاه (چهل روز) قیام می کنند.

شیخ مفید در آخر کتاب الارشاد، پیرامون احادیث مذکور می فرماید: «ولیس بعدد دولة القائم عجل الله فرجه لأحد دولة إلا ما جاءت به الرواية من قيام ولده إن شاء الله ذلك، ولم يرد به على القطع والثبات، واكثر الروایات انه لن يمضى مهدي الأ مة الا قبل القيامة بأربعين يوماً، يكون فيها الفرج (الهرج) و علامات خروج الاموات وقيام الساعة للحساب والجزاء». (۸)

یعنی: بعد از دولت حضرت قائم عجل الله فرجه برای کسی دولتی تشکیل نمی شود. مگر آن چه این روایت بر آن دلالت می کند، که فرزند (فرزندان) او اگر خدا بخواهد قیام می کند. البته این روایت به صورت قطعی ثابت نیست.

اکثر روایات بر این معنی دلالت می کند، که حضرت مهدی عجل الله فرجه نمی رود، مگر چهل روز قبل از قیام قیامت که در آن فرج (و بنا بر روایت بحار هرج و مرج) صورت می گیرد، و علامت خروج اموات و قیام قیامت برای حساب و کتاب آشکار می شود.

یعنی : « این اخبار مخالف مشهور است . وجه جمع و تأویل آن ها از دو راه میسر می باشد .

راه اول : این که مراد از دوازده مهدی « هدایت شده »

همان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و سایر امامان به استثنای امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام است . به این معنی که ملک آن ها (در هنگام رجعت) بعد از امام زمان خواهد بود . قبل از این گذشت ، که جناب حسن بن سلیمان (مؤلف مختصر البصائر) آن حدیث را به همه ائمه (دوازده گانه) تأویل نموده و قائل به رجعت امام زمان بعد از وفات شده است . با این تأویل می توان بین برخی از اخبار مختلف که درباره مدّت ملک آن حضرت وارد شده است ، جمع نمود .

راه دوم : این است که آن دوازده مهدی از اوصیاء امام زمان

عَلَيْهِ السَّلَام ، هدایت گران خلق در زمان ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام در هنگام رجعتند . زیرا زمان نمی تواند خالی از حجت باشد ، اگر چه اوصیاء انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز حجج هستند والله اعلم . «

جریان یمانی با احادیث مزبور چه ارتباطی دارد؟

احادیث مذکور، چه این که صحیح باشند و چه ضعیف،

چه قابل قبول از نظر دلالت و چه غیر قابل قبول، چه قابل تأویل به رجعت باشد، چه غیر قابل تأویل، هیچ ارتباطی با مدّعی جریان یمانی ندارد.

زیرا همه آن احادیث بر این مطلب اجماع دارند، که قیام مهدیین دوازده گانه یا یازده گانه بعد از ظهور و وفات امام زمان عجله تعالی فرجه البشیر خواهد بود. هیچ یک از احادیث بر این معنی دلالت نمی کند، که آن‌ها یا برخی از آن‌ها قبل از ظهور امام زمان عجله تعالی فرجه البشیر می آیند. در حالی که احمد اسماعیل گاطع الصیمری، که به دروغ مدّعی فرزندی و وصایت امام زمان عجله تعالی فرجه البشیر است، در حال حاضر که هنوز امام زمان ظهور نفرموده، ادّعیای قیام کرده و خود را اولین نفر از مهدیین می نامد! بنابراین، مدّعی نامبرده هیچ پایه و مستندی از جهت احادیث ندارد. علاوه بر آن، نام وصی خود، فریاد می زند که بعد از مرگ موصی قیام به وظیفه می کند، نه

قبل از مرگ او . پس مدعی جریان یمانی چه وصی است که
قبل از ظهور و مرگ موصی مشغول به کار شده است!؟

تشکیلات و عملکرد جریان یمانی

در کنار رهبری جریان الیمانی که به عهده احمد اسماعیل
گاطع معروف به احمد الحسن الموعود می باشد ، رهبری
معنوی ، نظامی و رهبری سازمانی هم وجود داشته است . شیخ
کاظم العقیلی مستول شاخه نظامی ، استاد عبدالرحیم ابومعاذ
به عنوان مرشد و رهبری معنوی سازمان می باشد . معاون
مؤسس این جریان شخصی به نام شیخ حیدر المنشداوی (ابن
ابو فعل) از شاگردان شهید سید محمد صدر بود . المنشداوی
در زمان صدام به ایران آمد و به ترویج این فکر پرداخت ، لذا
توسط حکومت ایران دستگیر گردید ، و به مدت ۶ ماه در
زندان به سر برد . بعد از سقوط صدام به عراق برگردانده شد ،
و ادعا نمود که وی وصی امام زمان (عبدالله بن الحسن القحطانی)
می باشد ، و از همه اموری که مردم از آن ها اطلاعی ندارند ،

مطلع است، حتی از محل قبر فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ مطلع می باشد. وی دفتری را در منطقه قدیم نجف در شارع الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ افتتاح نمود، و به نشر افکار خود همّت گماشت. بعد از این اتفاقات، مؤسس جریان با صدور بیانیه ای المنشداوی را تفسیق نمود. لذا قاسم عبد حسن از عناصر سابق حزب بعث، عباس خلف الجبیناوی از عناصر سازمان بدر، عباس زوری عگله و هامل محیی حمود نیز به همراه المنشداوی از این جریان خارج شدند. شیخ حیدر المنشداوی پس از آن، در بغداد توسط یک گروه مسلح کشته شد.

از طرفداران یمانی، شخصی از بیت حمای، به نام سید حسن الحمای - فرزند مرحوم سید محمد علی حمای متوفای ۱۹۹۸ م از علمای معروف نجف - بود. این شخص که مرتبط با دستگاه بعثی، عقده ای ضدّ علمای دین بود، به عنوان روحانی ارشد آن گروه فعالیت داشت. و مصداق آیه شریفه: ﴿ اِنَّ لَيْسَ مِنْ اَهْلِكَ اِنَّهٗ عَمَلٌ غَيْرٌ صَالِحٌ ﴾ گردید.

ستاره داود، آرم جریان یمانی!

شعار جریان الیمانی یک ستاره اسرائیلی به نام داود است .
این ستاره ۶ ضلعی به عنوان آرم و در کنار امضای احمد الحسن
الیمانی قرار می گیرد ، و امضای او در برخی اعلامیه ها از این
قرار است :

بقیة آل محمد ﷺ ، الرکن الشدید ، احمد الحسن وصی و
رسول الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الی الناس اجمعین ، المؤید
بجبرئیل ، المسدّد بمیکائیل ، المنصور باسرافیل ، ذریة بعضها
من بعض والله سمیع علیم .



این ستاره شش ضلعی در زبان لاتین «پانتگرام» نامیده
می شود . صهیونیست ها از آن در پرچم خود به عنوان سمبل
تسلط بر جهان استفاده می کنند . فرقه یمانی در ابتدای کار از
این ستاره به عنوان آرم و نماد جریان خود استفاده می کرده ،

ولی بعدها برای جلوگیری از آبروریزی و اثبات وابستگی آن ها به صهیونیسم، این نماد را از تبلیغات خود حذف نمودند.

فعالیت تبلیغی :

این سازمان به فعالیت تبلیغی بهای زیادی می دهد، لذا به نشر و چاپ کتاب هایی برای تبلیغ تفکر خود اقدام نموده است. بر اثر این تبلیغات، بعضی از افراد کم مایه و بی اطلاع از مبانی دینی را گول زده است. و به آن ها تلقین کرده که وی یمانی نائب امام زمان می باشد. وی کتاب هایی با نام های جذاب و فریبنده هم چون الجواب المنیر عبر الاثیر، نصیحت به طلاب حوزه علمیه، حاکمیت خداوند نه حاکمیت مردم، و کرامات و غیب گویی ها، نشریاتی با نام روزنامه القائم (عج)، و نشریه قمر بنی هاشم، و منشوراتی با نام انصار المهدی، منتشر ساخته است.

در شماره ۳ نشریه هفتگی قمر بنی هاشم مورخه جمعه ۱۴ محرم ۱۴۲۵ ه، مطالبی از این دست وجود دارد :

معركة الامام المهدي تشتعل في مصر، حرب أمريكا على العراق، بداية الحرب ضد المهدي المنتظر عجل الله تعال فرجه، علماء السوء في روايات اهل البيت عليهم السلام، العجل العلمي عند فقهاء الشيعة. در ضمن مقاله اخير كاريكاتور يك گاو نر كه بر شكم آن، كلمه « علم اصول » نوشته شده، كشيده شده است. در اين مقاله علم اصول فقه حوزه های علميه به گوساله سامري تشبيه گرديده است، كه توسط امام زمان عجل الله تعال فرجه به دور ريخته خواهد شد. در آن نشریه تحت عنوان « نُبوءة » یعنی پیش گویی، خبر از خروج قریب الوقوع نفس زکیّه در نجف داده است! كه هرگز تا به حال خارج نشده است!

طرفداران این جریان با توزیع اعلامیه ها و بروشورهایی همه علمای ایران و عراق را به مناظره دعوت نمودند. از جمله در سال ۱۳۸۲ش بعد از سقوط صدام، هم زمان گروه های معدودی از جوانان فریب خورده عراقی که به صورت غیر قانونی وارد ایران شده بودند، در نماز جمعه شهرهای اهواز، قم، کرج، مشهد، و جاهای دیگر بین صفوف نماز جمعه

ایستاده و خبر از ظهور یمانی دادند . در آن شهرها ، آن افراد دستگیر شده ، وبه کشورشان بازگردانده شدند . در برخی شهرها مثل قم واهواز مبلّغین آن ها دست به تبلیغ مرام خود زدند ، که در برخی موارد توسط مسئولین قضایی کشورمان بازداشت ، ومحکوم شدند .

فعالیت نظامی جریان یمانی

این جریان آموزش نظامی را برای اعضای خود لازم دانسته ، عناصر خود را در باغ های العماره ومناطق الفاس والتیره به انواع سلاح های اهداتی اربابانشان آموزش می داده است . یکی از مراکز آموزش آن ها در منطقه صفوان در مزرعه « صابر زایر شمال آلبور حمة » ونیز منطقه « الهویر قرنه » بود . یکی از آموزش های آن ها آموزش سر بریدن افراد بوده است . اولین اقدام نظامی آن ها بعد از ایزوله برخی از عناصر منشعب مثل حیدر المنشداوی ، هماهنگی با جماعت جند السماء به رهبری الگراوی در تاسوعای سال ۱۴۲۸ قمری ، در منطقه

الزرگه کوفه بود. در آن عملیات حدود ۲۰۰ نفر از جماعت یمانی کشته شدند. جالب این جاست، با این که ادعاهای عقیدتی الگرعاوی با گروه یمانی تضاد دارد، اولی وجود امام زمان علیه السلام را منکر می شده و خود را قائم آل محمد می دانسته، دومی خود را فرزند و وصی امام زمان علیه السلام می داند!، از نظر فعالیت نظامی بر علیه دولت شیعی عراق و حوزه های علمیه به صورت مشترک در یک عملیات وارد شدند، و سرکوب گردیدند! این امر حاکی از این است، که هر دو جریان از پشت پرده توسط رهبری واحدی اداره می شدند، و ادعاهای عقیدتی آن ها غیر واقعی بوده است!

بعد از حادثه فوق جریان یمانی به صورت سری فعالیتش را ادامه داد.

با سرکوب قیام الگرعاوی در منطقه الزرگه نجف، یمانی تصمیم گرفت در عاشورای سال ۱۴۲۹ قیام کند، اما یک ماه پیش از وقت مقرر با دستگیری ۴۰ نفر از پیروانش در نجف، توانایش کاهش یافته، و نتوانست اقدامی را در نجف و کربلاء

طی مراسم عاشورا انجام دهد . این گروه برنامه داشت تا روز تاسوعا قیام کند و زائرین حرمین امام حسین (علیه السلام) و حضرت عباس (علیه السلام) را قتل عام کرده ، و دو حرم مقدس رابه اشغال درآورد . سپس با رهبری شخصی دارای سابقه بعثی بودن ، به نام « سید حسن الحمامی » به سوی نجف حرکت کند ، و مراجع دینی را ترور نمایند . سپس با شخصی به نام « ابن بشینه » به عنوان امام مهدی بیعت کنند ، و فعالیت آن ها به سوی بصره و ناصریه کشیده شود . این گروه در ساعت ۹/۳۰ صبح تاسوعا فعالیت خود را با حمله به هیأت های عزاداری در بصره آغاز کردند و توانستند وارد مقر شرکت نفت جنوب شوند . هم چنین در ناصریه فعالیت خود را با حمله به تیپ واکنش سریع آغاز کردند ، در پی آن سرتیپ ابولقاء الجابری فرمانده این تیپ ، و سرهنگ ابومحمد الرمیض مسئول اطلاعات تیپ کشته شدند .

پلیس نجف اشرف ۴۵ نفر از عناصر مسلح گروه یمانی تحت عنوان " انصار المهدی " از جمله ۱۵ نفر از رهبران و

فرماندهان این گروه را دستگیر کرده که حسن الحمامی رهبر مذهبی این گروه در ضمن دستگیرشدگان بود. حسن الحمامی بعد از دستگیری اعتراف کرد، که اعضای گروهش قصد داشتند، در روز عاشورا مراجع دینی و هیأت های حسینی را مورد هدف قرار دهند. وی در کنفرانس خبری و طی اعترافاتش گفت: این گروه دارای طرفدارانی است. و هدف آن حمله به مرجعیت، و دیگر علمای دینی، و از هم پاشیدن اوضاع امنیتی عراق است. الحمامی در ادامه اعترافاتش گفت: تعدادی از عناصر این گروه مسئولیت هایی هم چون مسئول امور مالی، تبلیغاتی و نظامی برعهده داشتند. وی افزود: هزینه های ما از کشورهای خارجی بویژه امارات تأمین می شود، و شعار ما ستاره داود می باشد.

چند روز بعد از حادثه یمانی، پایگاه خبری «ملف پرس» از خبرگزاری های معتبر در عراق در خبری فاش کرد که احمد الحسن یمانی، بعد از حادثه بصره و ناصریه، به کشور امارات متحده عربی گریخته، و در دبی اقامت گزیده است.

اشکالات و تناقضات جریان یمانی

- اگر کسی از گذشته و حال جریان یمانی خبر داشته باشد ،
 با سبلی از اشکالات شرعی ، عرفی و عقلی و نیز تناقضات
 آشکار و ابهامات زیاد مواجه می شود . از جمله :
- ۱- بنا بر شهادت افراد مطلع و آگاه ، مدعی جریان یمانی
 شخصی به نام احمد اسماعیل گاطع صیمری از طایفه صیامر
 منطقه زبیر است . این طایفه از بنی هاشم نیستند . اما با این
 حال نامبرده با پوشیدن عمامه سیاه و یدک کشیدن عنوان سید
 احمد ، خود را سید و از بنی هاشم معرفی کرده است . قطعاً این
 کار از باب دروغگویی و فریب دیگران شرعاً حرام است .
- ۲- در فیلمی که از او در ابتدای کار پخش شده است ، می گوید:
 من یک روستایی ساده هستم و هیچ گونه ادعایی ندارم . اما در
 عین حال می گوید : خدا مرا برگزیده و ائمه همراه من هستند .
 و من صاحب نفس مطمئنه ام . و نور سراسر وجود مرا فرا گرفته
 و قطعاً این ادعاهای بزرگ با بی ادعا بودنش در تناقض
 است .

۳- در همان فیلم ، وقتی به عربی فصیح تکلم می کند ، در لحن کلام او اشتباهات زیاد (نحوی و صرفی) وجود دارد ، که نشان می دهد سواد کافی ندارد . این واقعیت با ادعاهای بزرگی که دارد سازگار نیست .

۴- احمد اسماعیل گاطع از یک سو ادعای فرزندى امام زمان عجله تعالی فرجه الیه می کند ، و از سوی دیگر ادعا می کند که برای اولین بار امام زمان عجله تعالی فرجه الیه را در عالم خواب ، و سپس در ماه شعبان ۱۴۲۰ ق (مصادف ۱۳۷۸ ش) امام زمان را در برای دومین بار در بیداری دیده است ! یعنی آن زمان که از عمر او بیش از ۲۵ سال گذشته است . چطور امکان دارد فرزند امام زمان تا آن موقع بابای خود را ندیده باشد !؟

۵- وی با وجود ادعای فرزندى امام زمان عجله تعالی فرجه الیه ، اما خود را احمد بن الحسن می نامد . در حالی که می بایست خود را « احمد بن محمد » می نامید . چون نام امام زمان حسن نیست . بلکه حسن نام پدر امام زمان است . گویا « قاعده دروغگو فراموشکار است » در این جا جریان دارد .

۶- وی خود را یمانی می داند و روایاتی را که درباره خروج یمانی صادر شده، بر خود منطبق می داند. در حالی که در روایات آمده است:

یمانی، خراسانی و سفیانی در یک سال و یک ماه و یک روز خروج می کنند. ^(۱۰) و پس از چند ماه در همان سال امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه هم قیام می کند. مدعی یمانی نزدیک ده سال است که خروج کرده، در حالی که نه خراسانی و نه سفیانی، نه در آن زمان، و نه حالا خروج نکرده و هنوز هم امام زمان قیام نفرموده است!

۷- وی در عین این که خود را فرزند امام زمان و سید هاشمی می داند، خود را یمانی نامیده است. در حالی که این دو عنوان یمانی و هاشمی، آن هم برای کسی که اهل عراق است، قابل جمع نیست. زیرا یمانی ظهور در این دارد که اهل یمن است. در حالی که وی به اعتبار محل تولد و نشو و نما عراقی است. البته گویا خود متوجه این تناقض شده، لذا با این مغالطه، این لقب را توجیه نموده است، که چون مکّه از تهامه

۱۰- الارشاد، شیخ مفید ص ۳۶۰.

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَالْآلِ وَسَلَّمَ

است . و تهامه از یمن است ، پس محمد و آل محمد همگی یمانی هستند .

وجه مغالطه بودن توجیه فوق این است ، که تهامه یک منطقه جغرافیایی است که از شمال جزیره العرب یعنی بالاتر از مکه و مدینه آغاز می شود ، و جنوب آن به یمن می رسد . بنابراین مکه و مدینه جزء تهامه است . و یمن هم از تهامه است ، ولی تهامه از یمن نیست . بلکه یمن در جنوب جزیره العرب قرار دارد و شامل شمال و میانه جزیره العرب نیست . بنابراین محمد و آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَالْآلِ وَسَلَّمَ حجازی و تهامی هستند ، اما یمانی نیستند . اصولاً مردم عرب به دو دسته عدنانی و قحطانی تقسیم شده اند . مقصود از عرب عدنانی خصوص قریش ، و از جمله بنی هاشم است . در حالی که عرب قحطانی فقط اعرابی را شامل می شود که ریشه آن ها از یمن است . و به هیچ وجه به عرب عدنانی ، یمانی گفته نمی شود .

۸- وی در پیامی که به مردم عراق فرستاده ، از یک سو ادّعا

می کند ، که من از طرف امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ و با تأیید جبرئیل و

میکائیل آمده ام ، بنابراین پیروزی او با امدادهای غیبی باید حتمی باشد ، در حالی که از مردم عراق طلب نصرت می کند ، و می گوید که اگر نصرتم ندهید ، شما سابقه بی وفایی نسبت به مسلم بن عقیل را داشتید . و بدین صورت خود را به مسلم بن عقیل تشبیه می کند. همان مسلمی که پیروزی ظاهر او و یاری جبرئیل و میکائیل در حق او منتفی بود . و این تناقض دیگری است .

۹- وی به خواب های خودش و خواب های دیگران استناد می کند ، در حالی که خواب در مسائل شرعی و عقیدتی برای دیگران هیچ گونه حجیت و اعتباری ندارد . هیچ پیامبر و ولی الهی حقانیت خود را با خواب اثبات نکرده است . مخصوصاً که خواب صرف ادّعا است . و امکان دارد آدم دروغگو هم ادّعی آن را بکند .

۱۰- استناد دیگر او به وقوع حوادث آینده ، مثل سقوط صدام هم مضحک است . زیرا این پیشگویی توسط هر آدم آگاه به مسایل سیاسی امکان پذیر است ، و اختصاص به نامبرده

ندارد. مخصوصاً که قبل از همه امام خمینی^(ره) فرموده بود:
صدّام رفتنی است!

۱۱- آمادگی برای مناظره و مباحثه با علمای شیعه، سنی،
یهودی، و نصرانی هم صرف ادّعا است، و هیچ چیزی را ثابت
نمی کند. بله، اگر مناظره و مباحثه صورت گرفت، و طرف
مقابل، که دارای صلاحیت علمی باشد، محکوم شده و یا عذاب
الهی بر او نازل گردید، آن گاه قابل استناد است. در حالی که این
اتفاق برای مخالفین جریان یمانی پیش نیامده است.

۱۲- درباره استناد جریان یمانی به احادیث که قبل از این
مفصلاً توضیح داده شد. احادیث مورد ادّعا ربطی به مدّعی او
ندارد. چون احادیث می گوید: مهدیین بعد از ظهور و وفات
امام زمان علیه السلام می آیند نه قبل از او. در حالی که مدعی جریان
یمانی می گوید الآن من وصیّ امام زمان هستم!
معلوم است که وصی باید بعد از مرگ موصی وارد عمل
شود، نه در حال حیات موصی و قبل از مرگ او!

۱۳- مدّعی جریان یمانی در تبلیغات خود مرتباً بر علیه علمای دین ، حوزه علیه ومراجع تقلید هتّاکی و جسارت می کند ، و صریحاً می گوید : که ما آمده ایم که وساطت علماء بین مردم ودین وخدا را حذف کنیم . در حالی که این حرف بر ضدّ تعالیم اهل بیت علیهم السلام است . چون از دیدگاه تعالیم اهل بیت علیهم السلام ، واسطه مردم واهل بیت ، علماء هستند ، وفقهای ربّانی مراجع دینی مردم هستند . امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید : « فأما من كان من الفقهاء صانئاً لنفسه محافظاً لدينه مخالفاً لهواه مطيعاً لامر مولاه فللعوام ان يقلدوه » . در توفیق منسوب به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیہ آمده است : « وأما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا فانهم حجّتی علیکم وانا حجة الله » .

۱۴- جریان یمانی در امر ضدیت با علماء ، از تبلیغات سوء گذشته ، وارد فاز عملی ونظامی شده است . لذا در جریان توطئه ترور علمای نجف که در عاشورای سال ۱۳۸۵ ش توسط جریان « جند السماء » برنامه ریزی شده بود ، مشارکت داشته و ۲۰۰ نفر از آن ها به هلاکت رسیدند .

از این واقعیت ، این نتیجه بدست می آید که آن ها پادوی استعمار در مبارزه با روحانیت . یعنی مهم ترین سنگر مقاومت اسلامی در مقابل استعمار ، می باشند .

۱۵- استفاده از ستاره داود که آرم مخصوص صهیونیست ها می باشد، نشان دیگری از وابستگی این جریان به استعمار است .

۱۶- حضور افرادی با سابقه بعثی بودن در تشکیلات

جریان یمانی ، از قبیل : سالم عبد حسن ، وحسن الحمامی (رهبر مذهبی گروه که دستگیر هم شده است) ، وهمین طور برادر احمد اسماعیل گاطع که از افسران حزب بعث بوده ، نشانه دیگری از وابستگی جریان به « الحملة الایمانیة » صدام حسین معدوم است .

۱۷- اخیراً در یکی از برنامه های ماهواره ای سلفی « صفا »

یک شخص مصری غیر معمم به نام عبدالعال سلیمه ، که به دروغ به عنوان عالم شیعی معرفی شده است ، از جریان یمانی واحمد الحسن با تجلیل وبه عنوان مهدویت نام برده است . این پدیده نشان می دهد ، که جریانات سلفی ووهابی در پی

تبلیغ جریان ایمانی از ماهواره های خود می باشند . این هم
 گزینه دیگری از وابستگی جریان به استکبار جهانی است .

آخرین سخن ، چه باید کرد ؟

برادران و خواهران ایمانی ! فتنه های رنگارنگ که از سوی
 شیاطین و اعوان و انصار آن ها برای فریب و انحراف مردم از
 صراط مستقیم تدارک دیده می شود ، همیشه بوده و هست ،
 مخصوصاً در آخر الزمان که - بنا بر صریح احادیث - فتنه ها
 فراوان تر و دجال و دجال ها به صورت پیچیده تر ظهور می کنند .
 در مقابل آن فتنه ها و دجال ها هیچ پناهگاه امنی ، و
 تضمینی برای سلامتی جز تمسک جستن به ثقلین (قرآن و
 عترت) وجود ندارد . چرا که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود : « انى
 تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتى اهل بيتى ما ان تمسكتم
 بهما لن تضلوا بعدى أبداً » .^(۱۱)

۱۱- حدیث متواتر و متفق علیه بین کتب فریقین .

اما استفاده صحیح از کتاب و عترت ، بدون مراجعه به کارشناسان و متخصصان این فن ، یعنی علمای دین ، هرگز امکان پذیر نیست . این یک مطلب عقلانی و عرفی است ، که برای شناخت هر چیزی به متخصص آن باید رجوع کرد . بالاتر از این ، خود قرآن و عترت مردم را به رجوع به علماء ربّانی ، به عنوان نائبان و خلفای ائمه در عصر غیبت، ارشاد فرموده‌اند .

قرآن می فرماید : ﴿ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴾ .^(۱۲)

« اگر نمی دانید از پژوهش گران کتاب های آسمانی بپرسید » .

پیامبر اکرم ﷺ بنا بر روایت امام صادق (علیه السلام) ، فرمود :

« العلماء ورثة الانبياء » .^(۱۳)

« علماء وارثان انبیاء هستند » .

امام حسین (علیه السلام) فرمود : « ذلك بأن مجاری الأمور و الأحكام علی ایدی العلماء بالله الأمانة علی حلاله و حرامه » .^(۱۴)

۱۲- نحل / ۴۳ .

۱۳- کافی ج ۱ / ۳۲ ح ۲ .

« چرا که مجاری امور واحکام به دست علماء الهی وامناء بر حلال وحرام خدا گذاشته شده است » .

امام هادی علیه السلام فرمود: « لولا من یبقی بعد غیبة قائمنا من العلماء الداعین الیه والدالین علیه ... لما بقی أحد الا ارتدّ عن دین الله ... اولنک هم الأفضلون عند الله عزّوجلّ » .^(۱۵)

« اگر علمانی که در زمان غیبت به سوی او مردم را

راهنمایی می کنند ، نباشند ، هرآینه کسی نمی ماند مگر این که از دین مرتد گردد ... آن ها (علماء) نزد خدا برتر هستند » .

امام زمان علیه السلام فرمود: « وأما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا ، فانهم حجّتی علیکم وأنا حجّة الله » .^(۱۶)

« در حوادث واقعه باید به راویان حدیث ما (علماء)

رجوع کنید ، زیرا آن ها از طرف من حجّت هستند ومن حجّت خدا هستم » .

۱۴- تحف العقول ، ابن شعبه الحرّانی .

۱۵- بحار الانوار ج ۲ / ۶ ح ۱۲ .

۱۶- بحار ج ۵۳ / ۱۸۱ ح ۱۰ .

بنابراین، مطمئن ترین و بهترین راه برای شناخت حقیقت مدّعیان، و تمیز دادن راستگویان از دروغگویان، و حلّ شبهه های دینی، پناه بردن به علمای دین است. بر علمای دین هم واجب است حقایق را روشن کنند، و در مقابل بدعت ها سکوت نکنند. زیرا در حدیث آمده است: « إذا ظهرت البدع فعلى العالم ان يظهر علمه وإلا فعليه لعنة الله ».

یقیناً علمای ربّانی که همواره مورد توجه و عنایت قطب عالم امکان هستند، همیشه در پرتو عنایت های عزیز زهراء عَلَيْهَا السَّلَام به رسالت های الهی خود عمل می کنند، و همگی باید در زیر آن لوای حقیقی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام قرار گیرند.

وآخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين» .

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام - شاخه خوزستان

ماه صفر ۱۴۳۲ - دی ماه ۱۳۸۹